

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 14, No. 2, (Serial. 28), Summer 2021

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Validation of Adileh Prayer

DOI: 10.30497/quran.2021.239052.3053

Sayed Mohsen Mousavi*

Received: 28/11/2020

Accepted: 03/01/2021

Abstract

Some of the prayers that are prevalent among Muslims and can be found in some of the prayer books are not as valid as a hadith text. One of the well-known prayers among the people is Adileh Prayer. Investigating the history and background of this prayer in ancient texts; the amount of attention of the religious scholars, the Islamic jurists and the interpreters to this prayer; as well as documentary critiques and its content analysis pave the way to access its validity or invalidity. Hence, the current study attempts to explore the extent of the validity of this prayer in a descriptive and analytical approach. A famous text that has the name of the Adileh Prayer, and is attributed to Imam Ali (P.B.U.H) can lead the investigators to the invalidity of the prayer for some reasons including the unanimous narrators of the text of the prayer, the lack of authenticity in the hadith and prayer textbooks, as well as some of the textual, contextual and content controversies.

Keywords: *Adileh prayer, critique of hadith, validation, Dying, preservation of faith.*

* Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
m.musavi@umz.ac.ir



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۳-۵۲

اعتبارسنجی دعای عدیله

DOI: 10.30497/quran.2021.239052.3053

سید محسن موسوی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۲۱ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

بخشی از دعاهایی که در میان مسلمانان رواج یافته و در برخی از کتب ادعیه به عنوان یک متن حدیثی و مأثور نقل شده، از اعتبار لازم برخوردار نبوده و یا اسناد آن به دست نرسیده است. به نظر می‌رسد یکی از این دعاهای مشهور و فاقد سند، دعای عدیله باشد. بررسی پیشینه‌ی وجود این دعا در متون کهن، میزان توجه عالمان دینی، فقیهان و محدثان به این دعا و نیز نقد سندی و تحلیل محتوایی آن، راه دستیابی به اعتبار یا عدم اعتبار آن را هموار می‌نماید. از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بیان دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص این موضوع، میزان اعتبار متن این دعا را مورد نقد و بررسی قرار دهد. به نظر مؤلف، متن مشهوری که نام دعای عدیله را بر خود گرفته و به امام علی (علیه السلام) منسوب شده است، به دلایلی چند از جمله؛ مرسل بودن متن دعا و همچنین موجود نبودن آن در متون معتبر حدیثی و دعایی و نیز پاره‌ای از ناروایی‌های متن و محتوایی، فاقد ویژگی‌های ادعیه مأثوره از اهل بیت (علیهم السلام) بوده و امکان انتساب به ایشان را ندارد.

واژگان کلیدی

دعای عدیله، نقد حدیث، اعتبارسنجی، احتضار، حفظ ایمان.

طرح مسئله

دعای «عدیله» یا «عایله عندالموت» از جمله دعاهایی است که در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» و نیز در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه، به قرائت آن سفارش و ترغیب شده است. این دعا و واژگان مربوط به آن، در عرف متشرعه و در میان مرم دین‌دار، چنان رواج یافته که بیشتر ایشان، آن را می‌شناسند. فقیهان در امور متعلق به محتضر، خواندن دعای عدیله را بر بالین وی، مناسب دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۹). بسیاری از فقیهان، به اعتبار و اعتماد سخن مرحوم سید محمدکاظم یزدی و پیروی از نوشته‌ی وی در کتاب «العروة الوثقی»، عبارت مناسب قرائت دعای عدیله در هنگام احتضار را، در تعلیقات و حاشیه‌های خود بر عروه و رساله‌های عملیه‌ی خویش آورده‌اند (سیستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۳؛ حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۳ و خوبی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۳۹).

فراوانی کاربرد دعای عدیله و نام آن، موجب ظهور برخی کنایات و مثل‌ها نیز، در میان مردم شده است. برای نمونه، ضرب‌المثل «بالای سر کسی یا چیزی عدیله خواندن»، برگرفته از همین مضمون دعایی است. شاملو در توضیح این مثل گفته است:

«عدیله را بیشتر بر بالین محتضر خوانند و مثل را درحالی که کسی خود را
ساعتی دراز، بی‌هیچ عملی به مشاهده‌ی بیهوده‌ی کسی یا چیزی مشغول
کند، می‌گویند» (شاملو، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۹).

ترجمه‌ها و شرح‌های فراوانی بر دعای عدیله‌ی مشهور به نگارش درآمده است؛ مانند «ترجمه‌ی دعای عدیله» از سید علی محمد بن سید محمد بن سید دلدار علی نقوی کهنوی (م ۱۳۱۲ق)، «السعادات النجفیة در شرح دعای عدیله»، از شیخ اسدالله بن محمود جرفادقانی (ت ۱۳۰۳ق)، ملقب به ایزدگشسب (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۸۰، رقم ۱۱۹۱)، «شرح دعای عدیله» از مولا علی خداوردی تبریزی و «شرح دعای عدیله» نوشته‌ی میرزا محمد اخباری (م ۱۲۳۲ق). شرح‌هایی بر این دعا به زبان فارسی نیز، نگاشته شده است از جمله؛ شرح دعای عدیله نوشته‌ی سید مصطفی نقوی (م ۱۳۲۳ق)، میرزا ابراهیم حکیم خراسانی (م ۱۳۵۸ق)، مولا حبیب‌الله بن علی مدد ساوجی کاشانی (م ۱۳۴۰ق) که در تهران به طبع رسیده است. ساوجی کاشانی نیز شرحی دیگری بر این دعا، به زبان عربی دارد (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۵۷، رقم ۹۴۶ - ۹۴۹).

افزون بر عنایت و توجه ویژه‌ی مسلمانان به دعای عدیله، موضوع اعتبار این متن دعایی مورد اختلاف است. اعتبار به این معنا که آیا متن حاضر به پیشوایان دینی^(علیهم‌السلام) منسوب است یا خیر؟

به دیگر بیان آیا این متن دعایی، بر طبق معیارهای علم الحدیث، حدیث به شمار می‌آید یا خیر؟ همچنین از لحاظ متن و محتوا با معیارهای پذیرفته شده در علوم روایی، سازگاری و موافقت دارد یا خیر؟.

پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع معتبر دعایی و حدیثی، در خصوص صحت و سقم اعتبار این دعا، به کاوش بپردازد. پیش‌ازاین، هیچ نوشته‌ای به صورت مستقل و تفصیلی به اعتبار دعای عدیله نپرداخته و می‌توان گفت که از نظر موضوع، کاملاً نو است. علاوه بر این، نوشتار حاضر به صورت تفصیلی و بر مبنای قواعد فقه الحدیثی، ضمن نقد سندی، متنی و محتوایی، اطلاعات جدیدی را درباره‌ی معنا و مصداق دعای عدیله و... در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. پیش از ورود به بحث، درک هرچه روشن‌تر این موضوع درگرو بیان مواردی است که در ذیل مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم معنایی عدیله

واژه‌ی «عدیله» در مجموعه سخنان علما و بزرگان، در معانی مختلفی استعمال شده است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱-۱. عدول از حق

برخی از علما گفته‌اند: کلمه‌ی عدیله به معنی عدول از حق به باطل است؛ و برای اینکه چنین اتفاقی رخ ندهد، این دعا خوانده می‌شود. به عبارتی دیگر، «این دعا مانع از عدول مؤمن از ایمان و میل به سمت باطل می‌شود» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸، نکته ۱۳۴)، چنان‌که لغویان نیز گفته‌اند: «عدیله یعنی عدول از حق؛ و شاید کسی که در حق تردید کرده است نیز، به این وصف خوانده شود» (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۳۴). همچنین در بیانی روشن‌تر نویسنده‌ی مستدرک سفینه البحار می‌گوید:

«عدیله، هنگام مرگ رخ می‌دهد. در این وقت، شیطان می‌آید و تلاش می‌کند تا انسان را از ایمان خارج کرده و او را شایسته‌ی عذاب نیران کند. پس انسان برای سالم ماندن از این امور، باید دلیل‌های ایمان و اصل‌های پنج‌گانه‌ی اعتقادی را با دلیل‌های قطعی نزد ذهن خویش حاضر سازد و آن را بر زبان جاری کند و سپس آن‌ها را نزد خدا به ودیعه گذاشته و از او بخواهد که زمانی که مرگش فرا می‌رسد، خداوند امانت را برگرداند. در

این صورت، به‌طور یقین از عدیله‌ی هنگام مرگ در امان می‌ماند» (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۲۲).

علاوه بر این، شیخ عباس قمی نیز در راستای علت نقل دعای عدیله، آن را معنا کرده و چنین می‌گوید:

«عدیله یعنی عدول از حق به باطل در هنگام مرگ؛ هنگامی که شیطان نزد محتضر حاضر می‌شود و آن قدر وسوسه می‌کند تا در او ایجاد شک و از ایمان خارجش کند. به همین خاطر، دعاهایی برای دور شدن از آن وارد شده است» (قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵).

برخی هم وجه تسمیه‌ی دعای عدیله را آن می‌دانند که قاری این دعا با مواظبت بر قرائت آن و حاضر ساختن مضمون آن در دل، از عدیله‌ی عند الموت یعنی انحراف یافتن از حق به‌سوی باطل سالم می‌ماند (تهرانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۳). ناگفته نماند که این معنا از ماده‌ی عدل، هنگامی است که با حرف «عن» متعدی شود و «عدل عن...» دلالت بر اعراض، انصراف و تمایل به‌سوی دیگر دارد و به معنای تحقق عدل در جهت مخالف است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۵۵).

۲-۱. نام یکی از شیاطین

عده‌ای از صاحب‌نظران دینی، عدیله را نام یکی از شیاطین دانسته‌اند که وظیفه‌ی او، عدول و انحراف انسان‌ها از حق در هنگام مرگ است. تبریزی انصاری در کتاب «اللمعة البيضاء» در پی بحثی درباره حفظ ایمان در پایان عمر می‌گوید:

«عدیله نام شیطانی است که از جانب ابلیس مأمور شده است که انسان را از اعتقاد حق به‌سوی باطل بکشاند» (تبریزی انصاری، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳).

شیخ آقابزرگ تهرانی نیز در ضمن معرفی کتابی نوشته‌ی حاج غلامعلی بهاونگری به این معنا از عدیله، اشاره می‌کند (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۳۹). برخی دیگر هم عدیله را نام دیو یا جن دانسته‌اند. از جمله‌ی آن‌ها اشارات ادیب الممالک فراهانی به دعای عدیله است:

«به دیوان‌خانه عدیله دیوی است چون آن دیوی که شد نامش عدیله».

این بیت نشان می‌دهد که احتمالاً در باورهای عامیانه‌ی عصر قاجار، عدیله را نام جنی می‌دانسته‌اند که هنگام مرگ بر فرد ظاهر می‌شده و موجب تغییر اعتقاداتش می‌گشته است. مرحوم دهخدا هم عدیله را چنین معنا کرده است:

«همزاد؛ دیوی که با انسان زائیده می‌شود و با او هست. دعایی است در کتب ادعیه. آن را بر سر مریض هنگام مرگ خوانند که پریان و دیوان و شیاطین از وی دور شوند» (دهخدا، ۱۳۴۱ش، ج ۲۲، ص ۶۶).

از آنجایی که شیطان می‌تواند از جن یا آدمیان باشد (الناس: ۵)، عدیله را نام جن دانستن مغایرتی با نام شیطان دانستن ندارد.

۲. پی‌جویی دعای عدیله در کتب ادعیه

متون دعایی شیعه از حیث ارتباط با موضوع «عدیله»، به سه قسم تقسیم می‌شوند. در ضمن بیان این اقسام سه‌گانه، روشن خواهد شد که مراد از دعای عدیله‌ی مشهور کدام قسم خواهد بود.

۲-۱. دعای تعویذ از عدیله‌ی هنگام مرگ

دعای مأثور کوتاهی درباره‌ی تعویذ از عدیله‌ی زمان مرگ، در متون دعایی معتبر به چشم می‌خورد که به قرائت آن توصیه شده است. چنان‌که علی بن بابویه در باب نماز شب می‌گوید امام باقر (علیه السلام) در حال سجده‌ی نماز شب می‌گفت: «...اللهم اِنِّ اعوذ بك من العدیلة عند الموت و من شرّ المرجوع فی القبر و من الندامة یوم القيامة...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۲).

شیخ طوسی نیز در کتاب *مصباح المتهجد*، در فصل نوافل ماه رمضان بدون اشاره به قائل دعا می‌گوید هنگامی که از نماز و دعای موردنظر فارغ شدی، سجده کن و در سجده بگو: «...اِنِّ اعوذ بك من العدیلة عند الموت و من شرّ المرجوع فی القبر و من الندامة...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶۴). وی همچنین در باب اعمال شب نخست ماه رجب، از علی بن حدید از ابوالحسن اول نقل می‌کند که امام (علیه السلام) در سجده‌ی پس از نماز شبش چنین دعا می‌کرد: «... اِنِّ اعوذ بك من العدیلة عند الموت و من شرّ المرجوع فی القبر و من الندامة...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۹۸). این دو نقل در *مصباح المتهجد*، در عبارات ابتدایی و پایانی تفاوت‌هایی دارد.

سید بن طاووس هم این قطعه از دعا را در باب بیست و سوم کتاب *اقبال الاعمال* آورده است (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۲۸ و ج ۳، ص ۱۸۶). علاوه بر این، این عبارت دعایی، در برخی از متون معتبر قرن‌های سوم تا ششم موجود است (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۹). چنانکه مشاهده می‌گردد دعای مأثور مذکور در هیچ‌یک از متون دعایی فوق، به دعای عدیله شهرت ندارد و فقط از آن تعویذ شده است. احتمال دارد که مراد از دعای عدیله‌ی صغیره نیز، همین دعا باشد.

سید مصطفی خمینی در بحث قبله می‌گوید:

«کعبه، قبله‌ی مسلمانان است؛ همان‌گونه که در دعای عدیله‌ی صغیره و تلقین محتضر و میت آمده است» (خمینی، ۱۳۷۶، ص ۸۹).

۲-۲. دعای مشهوری با عنوان عدیله

شیخ عباس قمی در باب نخست کتاب *مفاتیح‌الجنان* که در باب ادعیه است، دعایی با عنوان دعای عدیله را می‌آورد که با «بسمله و شهد الله أنه لا اله الا هو...» آغاز می‌شود (قمی، ۱۳۷۱، صص ۱۵۳-۱۵۷). علامه حسن‌زاده آملی نیز، در کتاب *هزار و یک نکته* می‌نویسد: «دعای معروف عدیله را، منسوب به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دانسته‌اند و مرحوم حاج میرزا ابراهیم سبزواری بر آن شرحی حکیمانه و عارفانه نوشته است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸، نکته ۱۳۴). این دعای عدیله، همان دعایی است که در لسان مردم و در کتاب‌های مختلف به این نام مشهور است.

۳-۲. دعاء الاعتقاد یا عدیله

دعایی در متون معتبر دعا نقل شده است که برخی آن را به نام عدیله می‌خوانند. در بیانی روشن‌تر، احمد بن علوی^۱ اصفهانی، معروف به ابن الاسود کاتب، ادیب، شاعر و راوی حدیث شیعی است که شیخ نجاشی وی را، صاحب کتابی با عنوان «*الاعتقاد فی الادعیه*» می‌داند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۸، رقم ۲۱۴). شیخ طوسی نیز، نام او را در بخش «فیمن لم یرو عن أحد من الائمه» آورده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱۲، رقم ۵۹۷۵). افزون بر این، سید اعجاز حسین، در کتاب *کشف الحجب و الاستار*، از کتاب احمد بن جشن علویه اصفهانی با عنوان «*الدعاء العدیله*» نام برده است و می‌گوید از این کتاب به‌عنوان *الاعتقاد* نیز نام برده می‌شود. ابتدای این دعا «شهد الله أنه لا اله الا هو والملائكة اولوالعلم...» است (السید اعجاز، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۴، رقم ۱۰۹۴).

۱. ابوجعفر احمد بن علویه اصفهانی معروف به ابن الاسود (۲۱۲- بعد از ۳۲۰ ق) از روایان حدیث شیعه و دارای آثاری در حوزه حدیث، دعا و شعر است. شهرت وی در حدیث به سبب روایت آثار ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ ق) است. روایات او در مواضعی از کتاب‌های معتبر شیعه از جمله در کتب اربعه وارد شده است. رجالیان متقدم همچون نجاشی و شیخ طوسی و نیز ابن شهر آشوب تنها از وی نام برده‌اند و هیچ سخنی دال بر توثیق یا تضعیف وی نگفته‌اند؛ اما ابن داود حلی از رجالیان متأخر نام او را در شمار ممدوحان آورده است (ابن داود حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۳۴).



کفعمی در کتاب *المصباح*، دعاء الاعتقاد را از امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) نقل کرده است لیکن، آغاز این دعا این گونه است: «اللهم إن ذنوبي و كثرتها قد أخلفت وجهي عندك ...» (کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۸). مجلسی نیز آن را از امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۹۱، ص ۱۸۲). لازم به ذکر است که برخی اندیشمندان دینی، اتحاد دعای اعتقاد ابن الاسود را، با دعای منقول در کتاب *مصباح کفعمی*، محتمل می‌دانند (نک: تهرانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۴).

علاوه بر این، برخی از صاحب نظران، موضوع اتحاد دعاء الاعتقاد را با دعای عدیله مطرح کرده‌اند. همان طوری که مرحوم وحید بهبهانی به نقل از جدّ خویش احتمال می‌دهد که دعای الاعتقادات همان دعای عدیله باشد (بهبهانی، بی تا، ص ۶۹). شاید منشأ این احتمال، محتوای اعتقادی دعای عدیله مشهور باشد. در مقابل، عده‌ای رأی یکسانی دعای اعتقاد با عدیله را، مردود دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند. از دلایل جدی ایشان بر ردّ این نظر آن است که این امر، با گفته‌ی نجاشی منافات دارد؛ چه که وی، کتاب ابن الاسود را با عنوان «*الاعتقاد فی الادعیه*» نام گذاری کرده است که در آن تعدادی دعا وجود دارد (رک: امین، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۲) شیخ عباس قمی نیز، نظر مخالفان اتحاد این دو دعا را تأیید می‌کند (قمی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۲). یاقوت حموی در *معجم الادبا* می‌گوید:

«حمد بن علویه، هشت دعا از انشاءات خود دارد و کتابی در پیری و

خضاب» (حموی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۷۳).

به احتمال زیاد، وی دعاهایی به سبک ادعیه مأثور ابداع می‌کرده که یاقوت بر هشت مورد از آن‌ها آگاهی یافته است. نجاشی نیز از یک اثر او با عنوان *الاعتقاد فی الادعیه* یاد کرده (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۸) و شیخ طوسی از دعاء الاعتقاد، به عنوان تصنیف وی سخن گفته است: «له دعاء الاعتقاد تصنیفه» (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱۲) و ابن شهر آشوب گوید او را کتاب‌هایی است که یکی از آن‌ها بدین نام است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۸۲).

با توجه به مطالب گفته شده روشن است که ایشان دعاهایی را تصنیف می‌کردند و نیز اینکه یکی از دعاهای ابداعی او درباره اعتقادات بوده و به همین نام شهرت دارد. نکته‌ای که باقی است این است که ارتباط این دعا با دعای عدیله چیست؟

برخی دانشیان، دعای عدیله را همان دعای اعتقاد دانسته‌اند. علامه محمد تقی مجلسی، دعای الاعتقاد وی را با دعای عدیله یکی دانسته (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۷)، محسن امین نیز کتاب *الاعتقاد* یاد شده در زمره‌ی منابع کفعمی در کتاب *البلد الامین* را همان «دعای الاعتقاد» نوشته‌ی احمد بن علویه دانسته است (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۲).

نکنه دیگر اینکه لحن سخن آقای حسن‌زاده آملی، نشان می‌دهد ایشان فرضیه‌ای درباره‌ی مبدع دعای عدیله داشته‌اند و باین‌حال، طبق سنت قدما، نامی از وی نبرده‌اند. شاید منظورشان همین احمد بن علویه اصفهانی باشد که نجاشی و شیخ طوسی درباره‌اش بحث کرده‌اند. به‌هرحال، این سخن شیخ طوسی که می‌گوید «له دعاء الاعتقاد تصنیفه» جای بحث بیشتری دارد. باید این فرد را بهتر شناخت و دریافت که اعتقاداتش چه بوده و چرا باید دعایی درباره‌ی اعتقادات پدید آورده باشد؛ اما به‌هرروی، احتمال انتساب دعای عدیله به احمد بن علویه اصفهانی - با توجه به فراین ارائه شده در این نوشته - زیاد است.

۳- زمان خواندن دعای عدیله

درباره‌ی زمان مناسب برای خواندن این دعا، دو نظر عمده مطرح شده است که در ذیل بیان می‌شود:

۳-۱. عدم محدودیت زمانی

عده‌ای از بزرگان دین معتقدند، انسان در هر زمان و مکانی می‌تواند این دعا را بخواند و به‌وسیله‌ی آن، برای جلوگیری از پیش آمدن عدیله هنگام مرگ، به خداوند متعال پناه ببرد. توصیه می‌شود که وقتی فرد در صحت و سلامتی است، این دعا خوانده شود تا یک دوره با خلوص، اعتقاداتش را مرور نماید. چنان‌که علامه مجلسی به مناسبت بحثی درباره‌ی لزوم حفظ ایمان هنگام مرگ می‌گوید به خاطر تشکیک‌های شیطان است که از عدیله‌ی هنگام موت، استعاده می‌شود (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۴، ص ۳۰۴).

۳-۲. هنگامه‌ی احتضار

برخی دیگر از اندیشمندان دینی، وقت خواندن دعای عدیله را، هنگام احتضار دانسته‌اند. در این زمان، شخصی این دعا را ضمن تلقین، برای محتضر می‌خواند. انجام این عمل، برای یادآوری و حفظ ایمان و اعتقاد در لحظه‌ی مرگ است؛ چنان‌که در حاشیه‌ی نورالبراهین سید نعمت‌الله جزایری، به این مسأله اشاره شده است (جزایری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۲).

محدث قمی در تأیید کلام این دانشمند بزرگ، قرائت دعای عدیله هنگام مرگ و حاضر ساختن معنای آن در ذهن را، برای حفظ از خطر عدیله، مفید می‌داند (قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶). همچنین، سید عبدالله جزایری می‌گوید امر شده است تا برای محتضر، افزون بر تلقین شهادتین و قرائت قرآن، دعای عدیله هم بخوانند (جزایری، بی‌تا، ص ۶۹).

همان‌طوری که در شرح حال زمان احتضار علما و بزرگان دینی، مانند علامه امینی و آیت‌الله حجت از مراجع تقلید در زمان آیت‌الله بروجردی، نوشته‌اند که ایشان از نزدیکانشان، قرائت دعای معروف به دعای عدیله را درخواست نمودند (شاگری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۱).

۴. اعتبارسنجی دعای عدیله

مسأله‌ی اعتبار دعای عدیله، مورد اختلاف اندیشمندان دینی است و دو دیدگاه عمده در این خصوص وجود دارد. صاحبان رأی مخالف و موافق بر اعتبار این دعا، دلایل و مستندات نیز در جهت اثبات نظر خویش ذکر کرده‌اند. برخی دانشیان در بررسی اعتبار این دعا، به نقد سندی و استنادی پرداخته و فقدان سند و عدم استناد به معصوم را دلیل بر عدم اعتبار آن دانسته‌اند. برخی دیگر منهای سند و استناد، به متن نگریسته و متن را درست و قرائت آن را مفید دیده‌اند. ایشان مشکل عدم استناد را هم با قصد رجاء به جای قصد ورود، قابل حل دانسته‌اند. گروه دیگری از دانشیان، به متن و محتوای دعای عدیله هم خدشه وارد کرده و آن را هم‌سوی با منظومه‌ی آموزه‌ها و مناسک دینی و متون دعایی شیعی ندانسته‌اند. در ادامه به بررسی تفصیلی این نظرات خواهیم پرداخت.

۵. بررسی دیدگاه مخالفان اعتبار دعای عدیله

عده‌ای از صاحب‌نظران، اعتبار دعای عدیله را نپذیرفته و بر ردّ مآثور بودن آن مصمم‌اند. ایشان دلایل و مستندات نیز، مبنی بر تأیید این رأی ارائه کرده‌اند. دلایل آنان عبارت‌اند از:

۵-۱. نقد سندی و استنادی دعا

۵-۱-۱. فقدان سند معتبر و غیر معتبر

از نخستین دلایل مخالفان اعتبار دعای عدیله این است که این دعا، فاقد هرگونه سندی است؛ چونکه هیچ‌یک از کتاب‌هایی که دعای عدیله‌ی مشهور را نقل کرده‌اند، سندی برای آن ذکر نکرده‌اند. نیک روشن است که برای ارزیابی یک متن، باید هم سند و هم متن آن را مورد نقد و بررسی قرار داد. حال اینکه در خصوص متن مورد بحث، هیچ‌گونه سندی وجود ندارد که مورد ارزیابی قرار گیرد. وجود سندی هرچند ضعیف و کم اعتبار در علوم سندی، متن را در زمره‌ی حدیث، ولو ضعیف قرار می‌دهد.

در صورتی که هیچ‌یک از کسانی که به نحوی این دعا را مورد تأیید قرار داده‌اند، ادعای وجود سند برای این دعا را نداشته‌اند و تلاش نگارنده نیز، برای یافتن هرگونه سند احتمالی برای متن این دعا بی‌نتیجه ماند.

۵-۱-۲. عدم نقل دعای عدلیه در کتب معتبر

اعتبار یک متن منسوب به پیشوایان دین، ملاک‌هایی دارد. از جمله‌ی آن ملاک‌ها، وجود آن متن در کتاب‌های معتبر است. محققان گفته‌اند اولین قدم در راه اعتبارسنجی حدیث، بررسی منابع و ارزیابی آنها است (نفیسی و تجار، ۱۳۹۹ش، ص ۲۸). متن دعای عدلیه‌ی مشهور، در هیچ‌یک از کتاب‌های معتبر حدیثی و دعایی کهن شیعه و اهل سنت نقل نشده است. چنان‌که نمازی شاهرودی در مستدرک سفینه البحار می‌گوید:

«دعای عدلیه‌ی معروف، از تألیفات برخی از اهل علم بوده و مأثور نیست.

علاوه بر اینکه، در کتاب‌های محدثان و ناقدان حدیث نیز دیده نشده است»

(نمازی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۲۲).

افزون بر این، شیخ عباس قمی نیز در کتاب مفاتیح‌الجنان، به ارزیابی این دعا پرداخته است. وی به مأثور نبودن و عدم درج این دعا در کتاب‌های معتبر، اذعان می‌کند. ایشان در پایان متن دعای عدلیه‌ی مشهور می‌نویسد:

«... در دعاهای مأثوره آمده است: اللهم اِنِّي اعوذ بك من العدلیة عند الموت،

لذا جناب فخر المحققین ^(رحمته علیہ) پیرو آن فرمودند، هر که می‌خواهد از

عدلیه‌ی هنگام مرگ سالم بماند، ادله‌ی ایمان و اصول خمس را با ادله

قطعیه و صفای خاطر استحضار نماید و آن را نزد حق تعالی به امانت

بسپارد؛ بنابراین، برحسب فرمایش فخرالمحققین، خواندن دعای عدلیه و

استحضار معنی آن در خاطر، برای سلامت جستن از خطر عدلیه عند

الموت مفید است، ولیکن درباره‌ی مأثور بودن یا نبودن آن باید گفت،

محدث اعظم حاج میرزا حسین نوری ^(رحمته علیه) فرموده است: دعای عدلیه‌ی

معروف، از مولفات برخی از اهل علم است و مأثور نیست و در کتاب‌های

حاملان و ناقدان حدیث نیز موجود نمی‌باشد» (قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۷، با

اندکی دخل و تصرف در الفاظ).

۵-۱-۳. دلالت سیاق دعا بر انشای غیر معصوم

علما و دانشمندانی که عمری را با سخنان اهل بیت (علیهم السلام) مأنوس بوده‌اند، شناخت سیاق دعا و حدیث ایشان را، از جمله قواعد اعتبارسنجی متون می‌دانند. برخی از بزرگان از دقت در سیاق عبارات و جملات دعای عدیله دریافته‌اند که این متن، نمی‌تواند از اهل بیت (علیهم السلام) صادر شده باشد. همان‌طوری که علامه حسن‌زاده آملی در این باره می‌گوید:

«سیاق دعا به اعلا صوت خود فریاد می‌کشد که از منشئات بعضی از

علمای امامیه است، فتأمل» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸، نکته ۱۳۴).

بررسی فقرات دعای عدیله از جهت سیاق، قرائنی را به دست محقق می‌دهد که نظریه‌ی عدم صدور این دعا را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر معصومان، تأیید می‌کند. قرائنی از جمله:

۵-۱-۳-۱. عدم سازگاری لسان دعا با ادعیه‌ی صادره از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

قابلیت و امکان انشای جملات زیبا و درعین‌حال، عارفانه و حکیمانه، اگرچه در انحصار معصومین (علیهم السلام) نیست، لیک با مقایسه‌ی کلام معصوم (علیهم السلام) با دیگران، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد. اگرچه درک این تفاوت، نیازمند به انس با سخنان و کلمات ایشان هست. با دقت در عبارات دعای عدیله و مقایسه‌ی آن با ادعیه‌ی مشهوری که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) صادر شده است مانند، دعای کمیل، دعای صباح و غیره، تفاوت آشکار و فاحشی از حیث سبک و لحن، آشکار خواهد شد.

۵-۱-۳-۲. ناهمگونی درونی بین فقرات دعا از حیث سبک و لحن

افزون بر مورد فوق، آنچه احتمال عدم انشای دعای عدیله را از معصوم (علیهم السلام) قوی‌تر می‌سازد، وجود ناهمگونی و عدم تناسب بین قسمت‌های مختلف این دعا از حیث سبک و ساختار و لحن است. متن دعا، در برخی قسمت‌ها از استواری و در برخی دیگر، ضعیف‌تر به نظر می‌رسد. برخی صاحب‌نظران، به دنبال عدم نظم و تناسب، در ساختار و ترکیب بخش‌های این دعا، نه تنها این دعا را مأثور نمی‌دانند، بلکه عبارات آن را برگرفته از دعاهای مختلف می‌دانند (تهرانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۲، رقم ۷۵۸).

دعای عدیله، ترکیبی از آیات قرآن^۲، انشای برخی علما درباره‌ی عقاید حق، بخش‌هایی از دعای وصیت و عهد^۳ و بعضی از مضامین دعای الاعتقاد^۴ است.

۵-۱-۳-۳. سازگاری لسان دعا با اصطلاحات اهل کلام از امامیه

دعا، با هرگونه کلام دیگری متفاوت است؛ زیرا دعا به مقامی گفته می‌شود که بنده در فضای خلوت‌گونه‌ای، از باطن و کنه خویش پرده برمی‌دارد و با خدای متعال راز و نیاز می‌کند. حال، چنانچه این دعا از زبان امام معصوم (علیه‌السلام) صادر شود، افزون بر آن‌که آمیزه‌ای از معارف بلند و حقایق عمیق است، بی‌شک تصویری از کنه عقل و باطن ایشان است (نک: بسطامی، ۱۳۸۴، مقدمه ۲، ص ۳۱). لیکن با این وصف، آنچه از دقت در متن دعای عدیله به ذهن می‌رسد آن است که این دعا، بیشتر از آن‌که تصویری از مناجات معصوم با خالق خویش باشد، مقاله‌ی علمیه‌ای است که عبارات آن در برخی موارد، شباهت به اصطلاحات علمای علم کلام دارد که درصدد اقرار و تصدیق اصول پنج‌گانه‌ی اعتقادی امامیه با ذکر دلایل قطعی است. در توضیحی بیشتر، مناجات‌کننده بعد از شهادت به توحید و یگانگی خدا و برشمردن برخی از اوصاف الهی مانند قدرت و علم، به موضوع نبوت و امامت و حقانیت آن‌ها با ذکر دلیل می‌پردازد سپس، به حقانیت آخرت، معاد و نیز اصل عدل الهی اقرار می‌کند.

۵-۲. نقد متنی دعا

در متونی که به خامه‌ی افراد عادی و غیر معصوم نگاشته شده، اشکال‌های ادبی و لغوی نیز به چشم می‌آید. دعای عدیله‌ی معروف نیز در شمار این متون جای گرفته است. حدیث‌پژوهان معتقدند که نعمت در متون حدیث و ان با کلمات معصومان، ملکه‌ای را در حدیث‌پژوه به وجود می‌آورد که در سایه آن می‌تواند سخن معصوم را از غیر معصوم تشخیص دهد (ایزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

۲. برخی آیات مانند: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَانِمَا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ...» (آل عمران: ۱۸ و ۱۹) و نیز، «وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (حج: ۷).

۳. فقراتی مانند «وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ النَّشُورُ حَقٌّ وَ الصِّرَاطُ حَقٌّ وَ الْوَيْزَانُ حَقٌّ وَ الْحِسَابُ حَقٌّ وَ الْكِتَابُ حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ مُسَاءَلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبُعْثَ حَقٌّ». دعا وصیت و عهد را کلینی در الکافی نقل کرده است. ابتدای این دعا با عبارت «اللهم فاطر السموات و الارض...» آغاز می‌شود (نک: کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲، باب الوصیه و ما أمر بها).

۴. برخی مضامین در خصوص اقرار به ضعف و گناه، شهادت به توحید، امامت در دعای الاعتقاد، در کتاب «مهج الدعوات»

آمده که از علی بن مهزیار از امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) نقل شده است (نک: حسینی حلی، ۱۳۲۳ق، ج ۱، ص ۲۳۲).

گفتنی است که اشکال‌هایی که در پی می‌آید بر طبق متن منقول در کتاب *مفاتیح الجنان* بوده و بررسی کردن نقل‌های دیگر که متنی دیگر را حکایت کند یا اینکه در کلماتی تصحیفی صورت گرفته باشد، از وظیفه این قلم خارج است. نمونه‌هایی اندک، از کلمات و عبارات ناهمگون با متون مأثور چنین است:

۵-۲-۱. نقد عبارت «و لم یزل سبحاناً علی جمیع الأحوال»

کلمه‌ی سبحان از جمله کلمات دائم الاضافه است که به صورت سبحان الله، سبحانه (زمر: ۴) سبحانک (نور: ۱۶) و... به کار رفته و چون همیشه مضاف واقع می‌شود، نه الف و لام می‌گیرد و نه تنوین می‌پذیرد.

«کلمه سبحان، اسم مصدر از ماده تسبیح به معنای تنزیه است و همواره به‌طور اضافه استعمال می‌شود و در ترکیب، مفعول مطلق است که قائم مقام و جانشین فعل است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۷).

۵-۲-۲. نقد عبارت «ثم الحسین ثم العابد ثم الباقر»

نام مبارک امام چهارم شیعیان امام علی بن الحسین (علیه السلام) بوده و در تمامی منابع تاریخی و حدیثی به این نام یا به لقبی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وی را زین العابدین خواند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸) یا بنا بر آنچه که از سجده‌های طولانی ایشان و اثرگذاری سجده بر پیشانی و دیگر مواضع سجده بود، سجاد و سید الساجدین نام گرفت (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ص ۲۷۱). لذا نام‌گذاری ایشان به عابد، نه در متون مأثور و نه در افواه عامه شیعه، آشنا به نظر نمی‌رسد.

۵-۲-۳. نقد عبارت «و مسأله القبر حق»

سؤال فرشتگان الهی نکیر و منکر در بسیاری از متون حدیثی، دعایی و تلقین‌های مندرج در رساله‌های احکام عملی موجود است؛ اما کلمه «مسأله» از باب مفاعله به معنای پرسش‌های دوطرفه، در هیچ‌یک از متون معتبر حدیثی و دعایی وارد نشده است. در متون دعایی یا متن تلقین‌هایی که برای اعمال پیش از دفن و مانند آن، آمده، بیشتر عبارت «و سؤال مُنکِرٍ وَ نَکِیْرِ حَقٌّ» آمده است. در موردی نیز عبارت «و مسأله مُنکِرٍ وَ نَکِیْرِ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ» نقل شده است (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۳، ص ۱۶۵).

۳-۵. نقد محتوایی دعا

علاوه بر اشکالات اسنادی و استنادی و نیز ایرادهای متنی، ملاحظات دیگری درباره برخی قسمت‌های این دعا از نظر محتوایی وجود دارد. در این بخش، دو نمونه از نقدهای محتوایی را فرادید می‌نهم.

۱-۳-۵. به ودیعه گذاردن اعتقادات

در بخش پایانی این دعا آمده است: «اللهم یا ارحم الراحمین إني قد أودعتك یقینی هذا و ثبات دینی و أنت خیر مستودع و قد أمرتنا بحفظ الودائع فردّه علیّ وقت حضور موتی». فارغ از اینکه مضمون به ودیعه گذاردن یقین یا عقاید حقه نزد خداوند، در متون دینی ما مشابهی ندارد، دو نکته‌ی دیگر ذهن هر اندیشه‌کننده‌ای را درگیر ناسازگاری این مضمون با فرهنگ قرآن و سنت و عقلانیت دینی می‌کند:

نخست اینکه یقین به معنای معرفت غیر قابل تغییر بوده و هنگامی که در کنار ثبات در دین قرار می‌گیرد، می‌فهماند که دارنده‌ی این اعتقادات، هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی، دچار تغییر در اعتقاد به آن‌ها نشده و حتی احتمال خلاف درباره‌ی آن‌ها نمی‌توان جایز دانست. حال چگونه در این فراز دعا، یقین و ثبات دینی را به ودیعه می‌گذاریم که هنگام مرگ آن را به همان صورت بازستانیم؟ و دلیل این ودیعه‌گذاری را حفظ از شک و تغییر در عقاید و دستبرد شیطان به آن اظهار کرده‌ایم؟ این تناقض و پارادوکس مضمونی، نشان‌دهنده‌ی آن است که این متن را یک فرد عادی انشا کرده و به نگارش درآورده است.

همچنین این ودیعه‌گذاری چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا غیر از این است که هرچه بنده در نیت دارد و اعتقادی که به آن معتقد است و آنچه به زبان می‌آورد و از اعمال که انجام می‌دهد، همه و همه نزد خداوند موجود و مکتوب و مضبوط است. حال به ودیعت نهادن آنچه که خداوند به آن احاطه علمی دارد، نزد خداوند؛ و بازستانی آن در هنگام مرگ، چه معنایی دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند.

این عقیده عوامانه، بی‌تردید، با پشتوانه فکر و تأمل نیست. علاوه اینکه سازگاری با دیگر عقاید اسلامی ندارد. هم این که - نعوذ بالله - خداوند را امانت‌دار ندانسته و احتمال می‌دهیم که این عقاید و اقرار به آن و ثواب احتمالی قرائت آن در دستگاه خداوند گم شود. نتیجه این که این نوع اعتقادات و رسومات نه تنها ریشه‌ی درستی ندارد؛ بلکه پیامدهای اعتقادی و رسومی نادرست دیگری دربر خواهد داشت که به شرک به خداوند و نوعی اتهام زنی به ذات باری منجر می‌شود.

۵-۳-۲. استحقاق صفات

در عبارتی از دعای عدیله «... قادر ازلی عالم ابدی حی احدی موجود سرمدی سمیع بصیر مرید کاره مدرک صمدی یستحق هذه الصفات ...» خداوند را مستحق تعدادی از صفات دانسته است. با چشم‌پوشی از اینکه این تعبیر با این الفاظ، سابقه‌ای در متون دینی، دعایی و حدیثی ما ندارد؛ بین حق بودن و مستحق بودن تفاوت عمیقی وجود دارد. اینکه صفتی را حق کسی بدانیم یا اطلاق صفتی بر وی را حق بدانیم با اینکه وی را مستحق صفتی بدانیم متفاوت است. برای نمونه در دانش تجوید می‌گوییم حق برخی حروف، داشتن صفت استعلا است؛ اما گاه یک حرف در شرایط خاص و در هنگام قرار گرفتن در کنار حرفی دیگر استحقاق صفت خاص مثل تفخیم را پیدا می‌کند. در واقع در استحقاق، کسب شایستگی مهم و محوری است. همان‌طور که قرار گرفتن در «باب استفعال» آن را نشان می‌دهد. ولی در حق بودن، این شایستگی وجود دارد و نیاز به احراز آن نیست. صفاتی که در این فقره از دعای عدیله آمده از صفات ذات خداوند است که نه از باب استحقاق بلکه از صفات حق حضرت حق است.

۶. بررسی دیدگاه موافقان اعتبار دعای عدیله

عده‌ای در مقابل معتقدان به دیدگاه نخست، بر این باورند که دعای عدیله معتبر است. ایشان نیز در راستای تحکیم نظر خویش دلایلی را ارائه کرده‌اند که عبارت است از:

۶-۱. مستند بودن جامع ادعیهی منقول در مفاتیح‌الجنان

برخی دانشیان بر اساس شخصیت والای علمی و عملی محدث قمی، نقل دعای بدون سند را از او بعید دانسته و بر این باورند که مرحوم شیخ عباس قمی، به اذعان بزرگان از علمای شیعه، از برجسته‌ترین محدثین دوران خودش بود؛ لذا از ساحت ایشان به دور است که توجهی به صحت یا عدم صحت ادعیه، اذکار، زیارات و اعمال نوشته‌شده در مفاتیح‌الجنان نکرده باشند؛ ولیکن از آن‌جهت که غرض محدث قمی، آن بوده است تا کتابی تألیف نماید که مورد استفاده عموم مردم باشد و برای اهل تقوا از هر صنف، کتاب عمل باشد، لذا از ذکر اسناد و مدارک آن خودداری نموده است؛ اگرچه اشاراتی به کتب مورد استفاده دارد. همان‌طوری که آیت‌الله حسینی میلانی در پاسخ به پرسش میزان اعتبار برخی دعاها مانند عدیله، فرمودند:

«دعاهایی را که مرحوم محدث قمی آورده سند دارد و خواندن آن‌ها نیز،

اجر و ثواب دارد» (سایت رسمی دفتر آیت‌الله حسینی میلانی، بخش

پرسش و پاسخ).

۲-۶. اعتبار ادعیهی غیر مأثوره به شرط موافقت مضامین آن با عقاید حقّه

دلیل دوم موافقان اعتبار دعای عدیله آن است که لزومی ندارد کلیهی دعاها مأثور باشند، بلکه اگر دعا، انشاء عالمان و مؤمنان باشد ولی مضمون آن، مخالف معارف اسلامی نباشد، می‌توان از آن بهره برد (نک: بسطامی، ۱۳۸۴، مقدمه ۲، ص ۷۱). معتقدان به این دیدگاه بر این باورند که ادعیه منسوب به رسول خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) اگر از جهت سندی ضعیف، یا فاقد سند محکم، یا از اساس فاقد سند بوده، لیکن از جهت محتوایی دارای مضامین عالی و حقّه باشد، اشکالی در بهره‌گیری از آنها وجود ندارد؛ زیرا استحکام متن و مضمون، جبران‌کنندهی ضعف سند است. این نگاه مستند به دیدگاه بخشی از دانشمندان از جمله سید بن طاووس است که انشای دعا توسط غیر معصومان را با لحاظ شرایطی مجاز دانسته‌اند.

نزد سید بن طاووس، اصل بر آن است که به سند دعا دست یابد ولی اگر به صورت عادی و در مجرای طبیعی‌اش دستیابی به اسناد دعایی امکان‌پذیر نبود، در استفاده از آن و نقل آن برای استفاده مردم جانب احتیاط را رعایت می‌کند. وی در فصل نخست کتاب *الدروع والواقیه* در بیان اعمال هنگام رویت هلال می‌گوید: «و وجدت فی رویة الهلال شیفا لم أظفر بالاسناد علی العاده نذکر احتیاطا للعباده».

وی درباره انشاء دعا، هنگام نیاز به آن، اصل انشاء را روا دانسته و به شرایطی چند درباره صحّت این عمل اشاره می‌کند: نخست اینکه فرد منشی دعا باید پیش از اقدام به انشای آن، جستجوی کامل (فحص تام) کرده و از نبود متن دعایی مطمئن گردد. وی در باب رویت هلال می‌گوید: «ولم اقف الی الان علی دعاء شامل للمعانی التي یحتاج الداعی الیها عند رویه هلال کل شهر علی البیان و جوزت ان یکون قد روی ذلك ولم اقف علیه».

دوم اینکه روا بودن انشای دعا، مستند به روایات است. سید بن طاووس بسان فتوایی فقهی یا اجتهادی دعایی نظر خویش را براساس برداشت از روایات بیان می‌دارد که و می‌نویسد: «رأیت ان انشاء الدعوات بمقتضی الحاجات مأذون فیه فی الروایات فأنشأت فیه دعا لکل شهر و لأعمل علیه». سوم اینکه استفاده از این دعا تا زمانی برای انشا کننده دعا و عمل کنندگان دیگر جایز است که به متن مأثوری دست نیابند. اگر در آینده به روایتی دعایی در مورد انشاء دست پیدا کردند، باید به آن روایت و دستورالعمل دعایی عمل کرد او خود می‌گوید: «و یعمل ما یهدیه الله عزوجل الیه الی أن أجد ما عساه قد روی فی معناه فأعمل بمقتضاه» (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، صص ۲۵-۲۶).

۶-۳. موافقت با قرآن و موافقت مضمونی با دعاهای دیگر

برخی دانشیان ضمن اقرار به مآثور نبودن دعای عدیله، با توجیه اینکه مضمون تعویذ از عدول هنگام مرگ و موافقت یا عدم مخالفت با قرآن کریم برای اعتنا به این دعا کافی خواهد بود. صرف نظر از اینکه این دعا مآثور باشد یا نه دعاهای دیگری در منابع کهن وجود دارند که در آن‌ها نیز از همین تعبیر «العدیلة عند الموت» استفاده شده و از خدا درخواست می‌شود تا آنان را این خطر ننگهبانی کند که هنگام مرگ از اعتقادات حق برگشت نکرده و با اعتقاد باطل نمیرند. از طرفی، این دعا را می‌توان در راستای آیاتی از قرآن دانست که در آن‌ها از خدا درخواست می‌شود که بعد از شناخت حق، باطل دوباره بر انسان چیره نشود؛ مانند این آیه شریفه: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» (آل عمران: ۸)؛ خدایا بعد از آنکه هدایتمان کردی، دوباره دل‌هایمان را منحرف نکن!

به هر حال، دعای «عدیله»، دعایی است که در آن یک دوره عقاید صحیح شیعه بیان شده است. بنا بر محتوای این دعا، شخص مؤمن، عقاید خود را با توصیفی که قرائت می‌کند، در حالت سلامت نزد خداوند به امانت می‌گذارد و از او می‌خواهد که در هنگام مرگ آن‌ها را به او بازگرداند تا با ایمان صحیح از دنیا برود. وقت خواندن این دعا در طول عمر است تا این اعتقادات در جان شخص تثبیت شود، خواندن این دعا بر بالین محتضر نیز سفارش شده بخصوص اگر شخص محتضر بتواند آن را بخواند و تکرار کند. بر این اساس، محتوای دعا مورد تأیید بوده و حتی اگر مآثور هم نباشد، خواندن آن بی پاداش نخواهد بود (<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa70024>).

نتایج تحقیق

برای ارزیابی یک متن روایی و دعایی، باید بر اساس معیارهای معتبر نقد در علوم حدیث عمل کرد. بر اساس آنچه که در این نوشتار گفته شد، نتایج زیر حاصل شد:

۱. برای متن مشهور به دعای عدیله در منابع حدیثی، سندی یافت نشد، اگرچه عالمان بزرگی آن را در کتب خود نقل نموده‌اند.

۲. هیچ‌یک از دانشمندان و محدثانی که این متن را نقل کرده‌اند، ادعایی مبنی بر اتصال این دعا به معصوم :یا وجود آن در کتاب‌های معتبر نداشته‌اند؛ بلکه به مآثور نبودن، نداشتن سند و عدم نقل آن در تراث حدیثی و دعایی اعتراف نموده‌اند.

۳. وظیفه‌ی یک پژوهشگر آن است که در مقام مباحث نظری، متون منسوب به پیشوایان معصوم^(علیهم‌السلام) را به دقت مورد ارزیابی قرار دهد و ساحت قدس ایشان را از متن‌های ساختگی

که به ایشان انتساب داده می‌شود، پاک نماید. بنابراین به نظر مؤلف، نقل این متن که محدث قمی خود به غیر مأثور بودنش واقف بوده و اقرار می‌کند و از طرفی دیگر محتوایش با عقلانیت اسلامی و شیعی سازگاری ندارد و نیز اشکال‌های متعدد متنی و محتوایی را در درون خود حمل می‌کند؛ نمی‌تواند از معصومین^(علیهم‌السلام) صادر شده باشد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرائع و الأحكام و الأسباب*، نجف: الحیدریه.
- ابن بابویه، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فقه الرضا* (منسوب به امام رضا^(علیه‌السلام)) تحقیق: مؤسسه آل‌البتیت^(علیهم‌السلام)، مشهد: کنگره جهانی امام رضا^(علیه‌السلام).
- ابن داود حلّی، تقی‌الدین حسن بن علی (۱۳۹۲ق)، *رجال ابن داود*، تحقیق: سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو عبدالله محمدعلی (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: حیدریه.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، *اقبال الاعمال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، *الدروع الواقیة*، قم: مؤسسه آل‌البتیت^(علیهم‌السلام).
- امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ایزدی، مهدی، (۱۳۹۰ش)، «ملاک‌های نقد متن حدیث بر اساس منابع روایی فریقین»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۸، ص ۵-۲۶.
- بسطامی، علی ابن طیفور (۱۳۸۴ش)، *منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح*، تهران: حکمت.
- بهبهانی، وحید، (بی‌تا) *تعلیقہ علی منهج المقال*، بی‌جا: بی‌نا.
- تبریزی انصاری، مولی محمدعلی بن احمد (۱۴۱۸ق)، *اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء*^(سلام‌الله‌علیها)، تحقیق: سید هاشم میلانی، قم: مؤسسه الهادی.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ (بی‌تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.

- جزایری، سید عبدالله، (بی تا)، *التحفه السنیه فی شرح نخبه المحسنیه*، نسخه‌ی خطی آستان قدس رضوی، به شماره ۲۲۶۹.
- جزایری، سید نعمت‌الله (۱۴۱۷ق)، *نورالبراهین*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: موسسه نشر اسلامی.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۷ش)، *هزار و یک نکته*، تهران: رجاء.
- حسینی حلی، سید علی بن طاووس (۱۳۲۳ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم: دار الذخائر.
- حسینی میلانی، سید علی (بی تا)، *سایت رسمی آیت‌الله حسینی میلانی* ^(مطالعه)، بخش پرسش و پاسخ.
- حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ق)، *مستمسک العروه*، قم: کتابخانه‌ی مرعشی.
- حموی، ابو عبدالله یاقوت (۱۴۱۴ق)، *معجم الادبای*، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار العرب الاسلامی.
- خمینی، سید مصطفی (۱۳۷۶ش)، *الخلل فی الصلاة*، تحقیق: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۱ق)، *کتاب الطهاره*، قم: لطفی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱ش)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- سبزواری، محمدابراهیم (۱۳۸۳ش)، *شرح حکمی و عرفانی دعای عدیله*، قم: انصاری.
- السید اعجاز حسین (۱۴۰۹ق)، *کشف الحجب و الاستار*، قم: کتابخانه مرعشی.
- سیستانی، سید علی (بی تا)، *تعلیقہ علی العروه الوثقی*، بی جا: بی نا.
- شاکری، حسین (۱۴۱۷ق)، *ربع قرن مع العلامة الامینی*، قم: نشر مولف.
- شاملو، احمد (۱۳۷۹ش)، *کتاب کوچه*، با همکاری آیدا سرکیسیان، تهران: مازیار.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش) *تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۱۹ق)، *العروه الوثقی*، قم: موسسه نشر اسلامی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۷ش)، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعجد*، تحقیق: علی اصغر مروارید، بیروت: مؤسسه فقه شیعه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۱ش)، *مفاتیح الجنان*، ترجمه مصباح زاده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قمی، شیخ عباس (بی تا)، *الکنی و الالقاب*، تحقیق: محمدهادی امینی، تهران: صدر.
- کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۳ق)، *البلد الامین*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۹ق)، *منازل الآخرة و المطالب الفاخرة*، تحقیق: سید یاسین موسوی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (بی تا)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین*، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار ائمة الأطهار (علیهم السلام)*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجاشی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نقیسی، شادی؛ تجار، شیوا (۱۳۹۹ش)، «اعتبارسنجی حدیث دال بر تطابق آیه کهیعض با واقعه عاشورا»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۲۶، ص ۲۵-۵۱.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، *مستدرک سفینه البحار*، تحقیق: حسن بن علی نمازی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.